

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: نعیم سلیمی
۰۷ جنوری ۲۰۱۹



در حاشیه رؤیای صلح افغانستان

بعد از اعلان خروج عساکر امریکائی از سوریه و افغانستان از جانب دونالد ترمپ رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا ما شاهد عکس العمل ها و برخورد های متفاوتی از حلقات حاکم امریکائی و متحدین آنها در چوکات پیمان دفاعی اتلانتیک شمالی (ناتو) گرفته تا محافل روشنفکری افغانستان اعم از چپ و راست و لیبرال ها بوده ایم ؛ عده زیادی با بیدار شدن از خمار این میگزساری تازه از خواب خرگوشی طولانی بالا شده و بالاخره به خود آمدند که خوابیدن بر تخت اجانب را سحری نیست و نه تنها این که سپیده دم بامدادی نصیب آنها نمی گردد، بلکه حتی این خواب به یک کابوس وحشتناکی مبدل می گردد که ما اکنون شاهد آن هستیم .



این قلم باری این موضوع را مدت ها قبل از این که از خروج قواء خبری باشد در رابطه با یکتن از نظریه پردازان و یا فیلسوفان افغانیدر یک جستاری زیر نام " حکمران فیلسوف و یا فیلسوف حکمران " یاد آور شدم که عصاره دیدگاه این مغز متفکر پیرامون ضرورت " چتر دفاعی ناتو برای افغانستان " می چرخید که در آنزمان تعداد اندکی از شنوندگان را با خود داشت که حالا حتی همین شنوندگان خود اندیشه بطلان این خواب را توصیه می کنند ؛ خوب ؛ به همه حال ما حسب پندار

های عامیانه مردم ما " ماهی را هر وقتی که از آب بیرونش کنیم ، تازه است "، بیداری مجدد این عده را خیر مقدم می

گوئیم ؛ عده دیگری را وحشت و ترس فراگرفته و چنین حالتی بر آنها مستولی گردیده که گوئی سخته می کنند ؛ عده ای هم برای خروج قوای امریکائی از سوریه که تا هنوز زمان دقیق آن معلوم نیست، رقص و پایکوبی را برپا نمودند و خواستار برگزاری جشنواره بزرگی برای رژیم بشارا لاسد در سوریه شدند ؛ به نظر این قلم کار درست و صوابی نیست که خوابها و آرزو های طفلانه سیاسی را در رابطه با همه این مسائل در ذهن جوانان کشور ما کشت کنیم و قبل از قبل آب را نادیده پایچه های پاهای مان را بر بزنیم و با گذاشتن کلوخی از آب گل آلودی که تعیین جهت شنوری در آن کار دشواری است گذر کنیم **.



برای داخل شدن به مبحث جنگ و صلح و افغانستان که به ذات خود کار ساده ای نیست من از یکی از نشریه های معتبر خود ایالات متحده امریکا به نام Foreign Policy و یا سیاست خارجی آغاز می کنم که در واقعیت سیاست خارجی امریکا و حتی دولت امریکا را به شیوه غیر مستقیم ترجمانی می کند ؛ البته ضمناً سعی به عمل می آید تا دیدگاه ها و

تحلیل هائی از منابع دیگر نیز در زمینه در جستار های بعدی در این راستا نشر شوند . این نشریه به تاریخ ۲۸ دسمبر سال ۲۰۱۸ در آستانه آغاز سال نو پارسانی مضمون طولی را زیر عنوان "رهبری ایالات متحده امریکا درخشش را از دست می دهد و رهبران خودکامه رقابت می نمایند این که تا چه اندازه ای می توانند از گیر و دار آن رهائی یابند" به نویسندگی "رابرت مالی" که عضو کمپنی "گروه بحران بین المللی" و رئیس آن می باشد و به سمت دستیار خاص بارک اوباما رئیس جمهور سابق امریکا خدمت نموده است ، به دست نشر سپرده که در مورد ده نقطه متشنج جهان در سال ۲۰۱۹ روشنی انداخته شده که حاوی نکات دلچسپی مبنی اعترافات ولی در عین زمان مشکلات و موانع عینی در اینموارد به دور از یک طرز دید آرمانگرایانه خبر می دهد که سعی می گردد فعلاً نکات اساسی آن صرفاً در مورد افغانستان به طور فشرده برجسته ساخته شود :

*- هرگاه یمن را به مثابه بدترین سانحه امداد های بشری فکر بکنیم ، در آنصورت افغانستان از تلفات شدید جنگی متأثر و متالم می باشد که در سال ۲۰۱۸ در اثر جنگ ۴۰.۰۰۰ تن از طرفین درگیر به شمول افراد ملکی جان باختند(تأکید بر این نکته از جهتی اهمیت دارد که حسب مدارک تازه به دست آمده زمینه علاقه مندی و جذب هر چه بیشتر سربازان به خدمات نظامی کشور کاهش یافته است - منتقد) ؛

* - اعلان خروج قواء از یکسومساعی دیپلماتیک تمامی کشور های درگیر را به جلو می کشاند و تشدید می نماید، ولی از جانب دیگر ابلاغ چنین خبری به طور خاص در این مقطع زمانی بدون مد نظرداشت دیدگاه های حلقات حاکم قدرت در امریکا شگون بدی را برای سال نو با خود به همراه دارد ؛

* - دو نکته مهمی را که با حوادث اخیر کشور مرتبط اند که یکی مأموریت زلمی خلیلزاد نماینده خاص امریکا که در ماه سپتمبر سال پار آغاز گردید و دیگری هم تقرری های اخیر سرپرستان وزارت داخله و دفاع از جانب اشرف غنی احمد زی رئیس جمهوری افغانستان است که به کاوش گرفته شده اند ؛ در مورد فرد اول (خلیلزاد) باید یاد آور شد که نشریه "سیاست خارجی" معتقد بر آن است که چنین اعلان غیر مترقبه مأموریت خلیلزاد را بدون به دست آوردن هیچ گونه انعطاف و عقب نشینی از جانب طالبان به یک حالت تعجب غیر مترقبه قرارداد که عین همین حکم شامل حال نفر دومی (غنی) نیز می گردد که به طور غیر منتظره به تعیینات فوق الذکر اقدام نمود ***.

تذکار نکات فوق الذکر در باره افغانستان که حکایت و روایت از یک نوع دیپلوماسی شتابزده و پر هیجانی می کند که خاصه دونالد ترامپ رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا می باشد ، انسان را به یاد رویداد های کمپاین انتخاباتی سال ۲۰۱۶ امریکا می اندازد که در آن هنگام هیلری کلنتن رقیب دونالد ترامپ یک حرف جالبی را که در حقیقت یک پیشبینی بود به زبان آورده گفت که "این انتخابات یک لحظه حسابی می باشد . این یک گزینه ای است برای انقسام و اتحاد ؛ میان رهبری مستدام و نیرومند و یا توپخانه لُق و سست ."

البته منظورخانم کلنتن از مقایسه ترامپ با یک توپ جنگی نظامی که پرزه جات آن سست و گسیخته اند بوده است که اگر هر قدری که هدف را دقیق نشان بگیرند به هر سوئی که بخواهد و خواسته باشد اصابت می کند .

از نظر این قلم علت برازنده همگی این سیاست های هیجانی و یا دیپلوماسی هیجانی را بایستی در بحرانهای اجتماعی و اقتصادی نظام سرمایه داری جهان به صورت کل و به خصوص ایالات متحده امریکا جست و جو نمود و بس ، نه تقصیر ترامپ ، و درست این حرف مصداق آن است نظام سرمایه داری مانند همان توپ زنگ زده خودش، خودش را با تب و تاب لرزاننده از پا در می آورد و این یکی از علایم و اعراض مریضی دموکراسی های لیبرال بورژوازی است که به قول یکتن از نویسندگان خود این نظام به نام "دیوید وان رنبروک" پژوهشگر بلجیمی این مریضی به نام "اعراض کسالتی دموکراتیک" و یا Democratic Fatigue Syndrome یاد می گردد که متأسفانه اثرات منحوس و کاپی چتل نویس آن اکنون دامنگیر مردم و کشور ما گردیده است که از شر آن بایستی خود را نجات دهیم .

مهم این است که شما چگونه می اندیشید ؛ آیا شما با دیدگاه نشریه سیاست خارجی با نکاتی که برشمرديم توافق نظر دارید و یا خیر ؛ نقد و نظر تان را با ما شریک سازید .

پایان